

## جایگاه تعلیم و تربیت در مکاتب فلسفی شرق و غرب

نویسنده: پوهنیار یاسمین حیدری

استاد پوهنحی تعلیم و تربیه

### چکیده

از آنجایی که هر منطقه برای خود فرهنگ و فلسفه آموزشی متفاوت دارد، به این اساس جوامع مختلف دارای فرهنگ‌ها و فلسفه‌های متفاوت تعلیمی و تربیتی می‌باشند. فلسفه غربی در بُعد آموزشی و تعلیمی واجد مکتب مدرن سنتی می‌باشد که ریشه آن در آتن و روم و فلسفه شرقی از اسلام و بودیسم و... این‌ها قطعاً بر نظام زندگی و آموزش و پرورش تأثیر گذار بوده و طبعاً هر یک از آن‌ها نظام آموزشی خاص خود را به وجود آورده‌اند. در این تحقیق ابتدا مروری گذرا به فلسفه آموزشی غربی از جمله سقراط، افلاطون، ارسطو و همچنین فلسفه ایده‌الیسم، رئالیسم، و پراگماتیسم و همچنین فلسفه آموزشی شرق با فلسفه اسلامی به بحث گرفته شده است، در ادامه به بررسی دیدگاه‌های مکاتب فلسفی (شرق و غرب) پرداخته شده است. پارادایم حاکم بر غرب و پارادایم حاکم بر شرق با هم مشابه بودند که به تفصیل از آن‌ها می‌توان؛ بیان دیدگاه‌ها و نظریات؛ رسیدن از شک به یقین؛ وجود افراط و تفریط در نظریات؛ تأثیر دین و مذهب در فرآیند تعلیم و تربیت؛ رشد معنوی و مادی؛ عدم انحصار جهان در ماده و دنیای مادی می‌توان یاد کرد.

**واژه گان کلیدی: فلسفه، ایدئالیسم، رئالیسم و پراگماتیسم**